

Perception of Justice in political participation (Case - study: Presidency in I.R.Iran)

Mahmood Shafiei *
Ramin Madadlou **

Received: 2019/01/20

Accepted: 2019/09/16

The issue of this research is that in today's Iranian society and in the opinion of the people, which one of domination of the social goods on the realm of politics is justice? Using Michael Walzer's theory of Complex Equality, the authors of this study designed a questionnaire to identify the perception of Iranians of the social "goods" dominating the political participation as a subset of politics in the contemporary Iranian society, from among three social goods: wealth, kinship, and knowledge. using elite perspectives on social justice and political science with Delphi method, researchers designed a questionnaire to understand the people's view of the dominant social good in the realm of politics, from the three social goods of wealth, kinship, and knowledge. The target population of this study was Iranians over 20 years of age living in the country and the sample population was determined using the Cochran formula of 271 people. After data analysis, the authors concluded that people are more inclined toward the social good of knowledge regarding political participation compared to the other two. However, in terms of the sample population, wealth played a stronger role in political participation. Moreover, the Islamic Republic of Iran has become closer to a just society in terms of kinship compared to the other two social goods.

Keywords: Political culture, Political participation, Political justice, Complex equality, I.R.Iran Presidency.

* Associate Professor of Political Science at Mofid University, Qom, I.R. Iran (Corresponding author) shafiee.mahmood@gmail.com

** Ph.D.Student of Political Science at Mofid University, Qom, I.R. Iran

madadlou@isu.ac.ir

دو فصلنامه علمی دانش سیاسی، سال پانزدهم، شماره اول (پیاپی ۲۹)، بهار و تابستان ۱۳۹۸، صص ۱۴۹-۱۷۲

ادراک از عدالت در مشارکت سیاسی

(مطالعه موردی: منصب ریاست جمهوری در جمهوری اسلامی ایران)

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۲۵

محمود شفیعی *

رامین مددلو **

چکیده

مسئله پژوهش حاضر آن است که در جامعه ایران امروز؛ سلطه کدام موهبت اجتماعی بر حوزه سیاست از نظر مردم عادلانه است؟ برای یافتن پاسخ نویسندگان از نظریه «برابری پیچیده» مایکل والزر بهره برده و عدالت را آن موهبت اجتماعی ای معرفی کرده‌اند که باید بر حوزه سیاست مسلط باشد. سپس با بهره‌گیری از نظرات نخبگان عرصه عدالت اجتماعی و علوم سیاسی به روش دلفی، پرسشنامه‌ای را به منظور فهم نگاه عمومی به موهبت اجتماعی مسلط در حوزه سیاست از بین سه موهبت اجتماعی ثروت، خویشاوندی و دانش طراحی کردند. جامعه هدف این پژوهش ایرانیان بالای ۲۰ سال ساکن در کشور است و میزان جمعیت نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۲۷۱ نفر تعیین شد. با تحلیل داده‌های به دست آمده، نویسندگان نشان دادند که از دید مردم موهبت اجتماعی «دانش» بیش از دو موهبت دیگر شایسته سلطه بر امر مشارکت سیاسی به عنوان جلوه اصلی حوزه سیاست است. جامعه ایران در باب دوری از موهبت خویشاوندی و پس از آن نزدیک شدن به موهبت دانش به شرایط یک جامعه عادل نزدیک‌تر است اما در حفظ حوزه سیاست از سلطه موهبت ثروت بر آن با شرایط یک جامعه عادل فاصله بسیاری دارد.

واژگان کلیدی: فرهنگ سیاسی، مشارکت سیاسی، عدالت سیاسی، برابری پیچیده، جمهوری اسلامی ایران. ریاست جمهوری.

* دانشیار علوم سیاسی دانشگاه مفید، قم، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول)

shafiee.mahmood@gmail.com

** دانشجوی دکتری علوم سیاسی گرایش مسائل ایران دانشگاه مفید، قم، جمهوری اسلامی ایران.

madadlou@isu.ac.ir

مقدمه

بیان مسئله: فرهنگ سیاسی از جمله عوامل اساسی در شکل‌گیری انواع کنش سیاسی در جوامع مختلف است. این حوزه دارای ماهیتی اجتماعی است و بنابراین می‌توان چنین ادعا کرد که درک مفاهیم اجتماعی در هر جامعه، برای فهم و مدیریت کنش سیاسی در آن جامعه ضروری است که در نوشتار حاضر به آن عطف توجه شده است. **اهمیت:** پرداختن به این موضوع از آن حیث مهم است که می‌تواند افزون بر تقویت دانش سیاسی در ایران از ناحیه برجسته‌سازی مبادی و مبانی اجتماعی آن، برای مدیران سیاسی نیز راهگشا بوده و ظرفیت‌های تازه‌ای را در فعال‌سازی منابع سیاسی جامعه و تقویت مشارکت سیاسی، تبیین نماید.

ضرورت: کم‌توجهی به مؤلفه‌های اجتماعی و ماهیت فرهنگی کنش سیاسی، منجر به تقویت ابعاد سخت‌افزارانه کنش سیاسی و گروش آن به سمت واقع‌گرایی افراطی می‌شود که با ماهیت سیاست اسلامی در ایران تعارض دارد.

هدف: پژوهش حاضر در پس‌سنجش جایگاه و میزان تأثیر یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های فرهنگی عمل سیاسی در ذهنیت ایرانیان - یعنی عدالت اجتماعی - بوده تا از این طریق به اصلاح و ارتقای کنش سیاسی کمک نماید.

سؤال‌ها: پرسش اصلی پژوهش حاضر آن است که: ادراک از عدالت در جامعه ایران چه تأثیری بر مشارکت سیاسی دارد؟. در این ارتباط ضمن سؤال از چیستی عدالت اجتماعی و مشارکت سیاسی، از مناسبات این دو نیز پرسش شده است.

۲. پیشینه پژوهش

در ارتباط با عدالت اجتماعی و مشارکت سیاسی - به‌طور مستقل - متون بسیاری تحقیق و نگاشته شده است. اما از منظر نوشتار حاضر که بر ماهیت و مناسبات این دو مفهوم استوار است، متون اندکی وجود دارد که می‌توان آنها را به دو دسته اصلی تقسیم کرد:

۲-۱. پژوهش‌هایی که بر محوریت تحلیل ماهیت درک ایرانیان از عدالت، تأکید دارند. در این پژوهش‌ها نقطه آغاز بحث، تلقی از عدالت است که می‌تواند در تکوین و ظهور سایر پدیده‌ها - و از آن جمله سیاسی - تأثیر مستقیم داشته باشد. در این

خصوص می‌توان به دو پژوهش زیر اشاره داشت:

الف. ادراک عدالت اجتماعی و تحول ماهیت سیاست

داریوش یعقوبی در پژوهش خود با عنوان «درک ایرانیان از عدالت» تلاش کرده است با تکیه بر داده‌های «موج دوم پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌ها» که توسط پژوهشگران دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال ۱۳۸۲ از میان اظهارات ۴۵۸۱ پاسخگوی نمونه در ۲۸ مرکز استان کشور جمع‌آوری شده بودند، به درک ایرانیان از عدالت اجتماعی دست یابد. بر اساس تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده میزان احساس عدالت در پاسخگویان کمی بالاتر از حد متوسط است. قومیت افراد تأثیری بر میزان احساس عدالت آن‌ها ندارد، اما از منظر محل زندگی میزان احساس بی-عدالتی در تهرانی‌ها نسبت به کلان‌شهرهای اصفهان، تبریز، رشت، شیراز و مشهد بیشتر بوده و این میزان در این کلان‌شهرها نسبت به سایر مراکز استان‌ها بیشتر است. از جمله یافته‌های این تحقیق آن است که میزان احساس عدالت در تهران به‌طور معناداری از شهر قم کمتر است. یا این‌که دین افراد در میزان احساس عدالت آن‌ها تأثیری ندارد؛ اما از سوی دیگر نگرش درباره جدایی دین از سیاست با میزان احساس عدالت همبستگی دارد. به‌نحوی که با کاهش احساس عدالت موافقت با جدایی دین از سیاست بیشتر می‌شود. این مسئله بین نگرش سیاسی و احساس عدالت نیز تکرار می‌شود؛ به شکلی که هر چقدر تمایل به جناح اصلاح طلب افزایش می‌یابد، میزان احساس عدالت کاهش می‌یابد. در باب معیارهای عدالت، ۲۸/۳ درصد پاسخگویان معتقدند به کسانی که نیاز بیشتری دارند باید امکانات بیشتری داده شود، ۲۰/۶ درصد شایسته‌سالاری را معیار عدالت دانسته و معتقدند باید به افراد شایسته امکانات و امتیازات بیشتری داد؛ اما ۵۱/۱ درصد از پاسخگویان معیار عدالت را برابری دانسته و می‌گویند همه امکانات و منابع کشور باید به‌طور مساوی بین همه ایرانیان تقسیم شود (یعقوبی، ۱۳۸۸، صص. ۲۱۹-۲۳۳).

ب. ادراک عدالت اجتماعی و تحول هویت ملی

هدف محققان در این پژوهش بررسی رابطه احساس عدالت اجتماعی بر هویت ملی جوانان قوم کُرد (نمونه موردی شهر قروه) است. این پژوهش در مفهوم احساس عدالت بر چهار بعد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و منزلتی آن تأکید داشت و به‌منظور

جمع‌آوری داده‌ها از روش پیمایشی و پرسشنامه استفاده شد. پرسشنامه در ۱۵ حوزه مختلف (بعد اجتماعی هویت، تاریخی، جغرافیایی، سیاسی، دینی، فرهنگی، زبانی، عدالت اقتصادی، عدالت سیاسی، عدالت فرهنگی، عدالت منزلتی، مشروعیت سیاسی، ویژگی‌های والدین و سؤالات زمینه‌ای) طراحی شده است. بر اساس نتایج این پژوهش متغیرهای زمینه‌ای و شاخص احساس عدالت قادر هستند تغییرات مربوط به هویت ملی جوانان کرد را به میزان ۴۹ درصد توضیح دهند. به این صورت که با کمتر شدن احساس عدالت، تعلق افراد به هویت ملی کاهش می‌یابد. همچنین با بالا رفتن سطح تحصیلات نیز احساس عدالت و تعلق به هویت ملی کاهش می‌یابد. حدود ۲۴/۶ درصد از شهروندان کرد دارای احساس عدالت سیاسی بالا ۳۸/۷ درصد متوسط به بالا ۲۸/۳ درصد متوسط به پایین، ۸/۴ درصد نیز دارای احساس عدالت سیاسی پایین بودند. به دیگر معنا احساس عدالت سیاسی میان جوانان کردزبان بیشتر از سایر ابعاد عدالت است (قاسمی، گراوند، و فرهادی، ۱۳۹۴، صص. ۱۴۵-۱۶۲).

۲-۲. پژوهش‌هایی که بر عوامل مؤثر بر شکل‌گیری ادراک از عدالت، تمرکز دارند.

ویژگی بارز این متون آن است که از منظری متفاوت از آثار گروه نخست به موضوع نگریسته و معتقدند ادراک از عدالت تابع عوامل سیاسی و اجتماعی دیگری است. در این ارتباط می‌توان به متون زیر اشاره داشت:

الف. «برابری‌سازی» و تأثیر آن بر ادراک از عدالت اجتماعی

در پژوهش آقایان عریضی سامانی و گل پرور (۱۳۸۴) با عنوان «رابطه بین رویکردهای عدالت اجتماعی با مؤلفه‌های برابری سیاسی» که در سال ۱۳۸۴ صورت پذیرفت، ارتباط میان انواع رویکردها به عدالت اجتماعی توزیعی (برابری، نیاز، انصاف و فردگرایی اقتصادی) با مؤلفه‌های برابری سیاسی (برابری توزیعی، قانونی، مشارکتی و فرصتی) مورد بررسی قرار گرفته است. جامعه آماری تحقیق را کلیه افراد ۱۶ سال بالاتر ساکن در شهر اصفهان تشکیل دادند و ۴۰۰ نفر (۲۰۰ زن و ۲۰۰ مرد) به‌عنوان گروه نمونه با استفاده از نمونه‌گیری دومرحله‌ای از سطح خیابان‌های شهر اصفهان انتخاب شدند. نتایج به دست آمده نشان داد که بین فردگرایی اقتصادی با برابری فرصتی و

مشارکتی در عدالت سیاسی رابطه معنادار وجود دارد. همچنین بین انصاف در عدالت اجتماعی و برابری فرصتی و مشارکتی نیز رابطه منفی وجود دارد. بین برابری در عدالت اجتماعی و برابری توزیعی، برابری قانونی و برابری مشارکتی رابطه معنادار مثبت؛ بین نیاز در عدالت اجتماعی و برابری توزیعی و برابری مشارکتی رابطه منفی؛ و بین نیاز در عدالت اجتماعی و برابری قانونی رابطه مثبت معنادار به دست آمد. همبستگی‌های متعارف نیز نشان داد که رویکردهای چهارگانه عدالت اجتماعی قادر به پیش‌بینی میزان برابری‌خواهی در عدالت سیاسی هستند (عریضی سامانی و گل پرور، ۱۳۸۴، صص. ۲۹۳-۳۱۸).

ب. «کارایی»، «دینداری» و تأثیر آن بر ادراک از عدالت

آقای جعفر هزارجریبی (۱۳۹۰) در پژوهش خود با عنوان بررسی احساس عدالت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن: (مطالعه موردی شهر تهران) به دنبال پاسخ دادن به دو پرسش اصلی بوده؛ اینکه میزان احساس عدالت در بین مردم شهر تهران تا چه اندازه است و متغیرهای تأثیرگذار بر احساس عدالت چه مواردی هستند؟ جامعه آماری پژوهش شهروندان سه منطقه ۳، ۱۰ و ۱۸ تهران بود و برای گردآوری اطلاعات میدانی از تکنیک پرسشنامه استفاده شد. پژوهشگر با بررسی پاسخ‌های جامعه نمونه پژوهش، به این نتیجه می‌رسد که حدود ۴۰ درصد پاسخگویان از احساس عدالت پایین، ۴۹ درصد از احساس عدالت متوسط و ۱۱ درصد از احساس عدالت بالایی برخوردارند. در نتیجه میزان احساس عدالت در بین پاسخگویان در حد متوسط رو به پایین است. بر اساس نتایج این پژوهش، متغیر اعتماد به کارایی مسئولین و سپس متغیر دین‌داری بالاترین تأثیر را بر احساس عدالت دارد. پس‌ازاین دو متغیر، متغیرهای تلقی از مقایسه خود با دیگران و احساس امنیت در مراتب بعدی اثرگذاری فزاینده بر احساس عدالت قرار دارند. همچنین متغیرهای احساس بیگانگی و منطقه مسکونی تأثیر کاهنده دارند (هزارجریبی، ۱۳۹۰، صص. ۶۲-۴۱).

پ. «عوامل اجتماعی» و تأثیر بر ادراک از عدالت اجتماعی

پژوهش آقایان محمود نوایی لواسانی، رحمت اله صدیق سروستانی و محمدجواد زاهدی مازندرانی (۱۳۹۲) با عنوان «احساس عدالت و عوامل اجتماعی مرتبط با آن»،

به انجام رسیده است. ایشان به دنبال پاسخ به این دو پرسش بودند: میانگین احساس عدالت (به معنای باور و پذیرش شهروندان از اجرای اصول عدالت) در جامعه چقدر است؟ و آیا این میانگین با عواملی همچون پایگاه اجتماعی - اقتصادی، جهت‌گیری ارزشی، عزت‌نفس و احساس محرومیت نسبی افراد و نیز سن و جنسیت و سایر عوامل زمینه‌ای آن‌ها رابطه دارد؟ آن‌ها با استفاده از نظریه عدالت جان رالز عدالت را به سه متغیر آزادی‌های اساسی برابر، فرصت‌های اجتماعی برابر و اصل تمایز تفکیک نمودند. همچنین متغیرهایی مانند محرومیت نسبی، پایگاه اجتماعی - اقتصادی و عزت‌نفس را از میان نوشته‌های رالز به‌عنوان عوامل مؤثر بر احساس عدالت استخراج کرده و متغیر جهت‌گیری ارزشی افراد را نیز به آن افزودند. سپس نگرش افراد نسبت به این متغیرها را مورد پرسش قرار دادند. جامعه آماری این پژوهش افراد ۱۸ سال به بالای ساکن در شهر تهران بودند که ۴۲۸ نفر به‌عنوان جامعه نمونه و به شیوه تصادفی انتخاب شده و با استفاده از پرسشنامه مورد سنجش قرار گرفتند. بر اساس نتایج پژوهش میانگین آزادی‌های اساسی در شرکت‌کنندگان ۵/۶۳ بود که بیشتر از حد متوسط شاخص (۴) است و تفاوت معناداری در میزان آزادی‌های اساسی پاسخگویان به تفکیک محل زندگی در مناطق مختلف تهران، پایگاه اجتماعی - اقتصادی مختلف منزلت شغلی آن‌ها وجود دارد. نسبت به متغیر فرصت‌های اجتماعی نیز میانگین آن ۲/۸۶ بود که بالاتر از حد متوسط شاخص (۲) است. این میانگین در پاسخگویانی با منزلت شغلی گوناگون و پایگاه اجتماعی اقتصادی متفاوت، دارای تفاوت معناداری است. همچنین در باب متغیر اصل تمایز نیز میانگین عدد تمایز در کل پاسخگویان ۲/۳۰۳ به دست آمد که کمتر از حد متوسط شاخص (۲/۳۳۵) است. در این متغیر نیز محل سکونت، منزلت شغلی افراد و پایگاه شغلی افراد تفاوت‌های معناداری را ایجاد می‌کرد. در جمع‌بندی کلی نیز میانگین احساس عدالت بین شهروندان تهرانی ۱۰/۷۹۶ بود که از میزان متوسط آن یعنی ۸/۳۳۵ است. بر اساس این پژوهش هر چه میزان پایگاه اجتماعی اقتصادی افراد افزایش می‌یابد، میزان احساس عدالت آن‌ها کمتر می‌شود. فراتر از متغیرهای شرح داده‌شده در سطرهای بالا، متغیر جهت‌گیری ارزشی بیشترین همبستگی را با احساس عدالت داشت. به این معنی که هر چه جهت‌گیری ارزشی افراد به سمت ارزش‌های

سنّتی و بقا سوق می‌یابد، با افزایش میزان احساس عدالت در آن‌ها همراه است و کسانی که بیشتر متمایل به ارزش‌های سکولار هستند، کمتر احساس عدالت می‌کنند. همچنین احساس محرومیت نسبی نیز همبستگی معناداری با احساس عدالت داشت (نوایی لواسانی، صدیق سروستانی، و زاهدی مازندرانی، ۱۳۹۲، صص. ۱۵۹-۱۸۶).

۳. مبانی مفهومی و نظری

۳-۱. عدالت اجتماعی

مفهوم عدالت در طول تاریخ اندیشه مفهومی مناقشه‌برانگیز بوده است. چنین شبکه‌ای امکان تصور هر یک از مفاهیم مرتبط را به جای خود مفهوم عدالت افزایش می‌دهد (واعظی، ۱۳۸۸، ص. ۲۴). در این میان دیدگاه جان رالز حائز اهمیت است. او برای عدالت دو اصل قائل است. اول حرمت مفهوم آزادی است و اصل دوم حرمت تفاوت به شرط ساخت بهترین حالت ممکن برای محروم‌ترین گروه‌های جامعه. مایکل والزر (۱۳۹۴) با بهره‌گیری از اصل حرمت تفاوت رالز تلاش نمود آن را بسط داده و برخلاف نظریه وحدت‌گرایانه عدالت رالز، نظریه‌ای تنوع‌پذیر از عدالت اجتماعی ارائه دهد. والزر اصل تفاوت رالز را زمانی امکان‌پذیر دانست که انحصار ثروت در حوزه‌های مختلف زندگی شکسته شود. راه‌حل والزر برای شکستن این انحصار مفهوم برابری پیچیده بود. برابری پیچیده به این امر اشعار دارد که یک جامعه از حوزه‌های مختلف مانند خانواده، فرهنگ، اقتصاد، سیاست تشکیل شده است. هر حوزه دارای موهبتی اجتماعی است که مبدل به معیار مسلط درون محدوده آن حوزه می‌شود. حال اگر معیار هر حوزه اجتماعی درون حوزه خود محدود شود و مرز حوزه‌ها از هم باز شناخته شوند، می‌توان از برابری درون هر حوزه اجتماعی بحث کرد؛ اما معمولاً حوزه‌ها از طریق معیارهای (موهبت اجتماعی مسلط) خود در پی سلطه بر دیگر حوزه‌ها هستند. سلطه فقط زمانی منتفی می‌شود که مواهب اجتماعی به دلایلی متمایز و درونی توزیع شوند. در این نگاه عدالت توزیعی هنر تفاوت‌گذاری و تفکیک است (مجیدی و امیدی، ۱۳۹۷، ص. ۲۰). والزر (۱۳۹۴) در تعریف صوری «برابری پیچیده» چنین می‌گوید: جایگاه هیچ شهروندی را در یک حوزه یا در نسبت با یک موهبت اجتماعی نمی‌توان با

استناد به جایگاه او در حوزه‌ای دیگر و در نسبت با دیگر مواهب اجتماعی تضعیف کرد... هیچ موهبت اجتماعی مانند x را نباید در میان افرادی توزیع کرد که موهبت اجتماعی دیگری مانند y را دارند صرفاً به این علت که آن‌ها y را دارند، بی‌توجه به معنای x برابری پیچیده تسهیم یا تقسیم نمی‌کند، بلکه راهنمای ما در مطالعه معنای مواهب اجتماعی و نیز در بررسی درونی حوزه‌های متفاوت توزیع است (والزر، ۱۹۸۲، ص. ۵۱). عدالت والزر مفهومی است برگرفته از ادراک افراد در جوامع خاص. هر جامعه‌ای بر اساس سنت، تاریخ، فرهنگ، شرایط زمانی و مکانی خود جامعه‌ای خاص است و موجب ادراک احتمالاً متفاوتی از معیار عدالت در میان مردمان خود می‌شود. البته انسان‌ها حقوقی و رای حق حیات و آزادی دارند، اما این حقوق به خاطر اشتراک آنان در انسان بودن نیست، بلکه نتیجه برداشت‌های مشترک از مواهب اجتماعی است. در نتیجه عدالت یک برساخته بشری است و بعید است بتوان آن را فقط و تنها به یک شیوه ساخت (نک. والزر، ۱۹۸۲، ص. ۲۷).

۳-۲. فهم ایرانیان از عدالت در حوزه سیاست

این پژوهش مدعی است که با هر نگاهی به مفهوم عدالت، دریافت «وضع موجود» در اجرایی ساختن هر نوع نظریه مربوط به عدالت اجتماعی اهمیت بسیار دارد. بهره این پژوهش از دیدگاه‌های والزر در باب عدالت اجتماعی فرض اصل چندمعیاره بودن عدالت اجتماعی، لزوم استقلال حوزه‌های مختلف اجتماعی از هم و سلطه موهبت اجتماعی هر حوزه اجتماعی تنها در درون مرزهای آن حوزه اجتماعی است و در چنین بستری در پی فهم معیار عادلانه دیدن کنش‌های حوزه سیاست هستیم. به دیگر سخن در پی یافتن آن موهبت اجتماعی هستیم که از دید ایرانیان باید موهبت اجتماعی مسلط در حوزه سیاست جامعه ایران امروز باشد.

۳-۳. مشارکت سیاسی

اگرچه تلقی‌های بسیار متفاوتی از مشارکت سیاسی وجود دارد، اما در این متن به منظور تأمین اهداف و تحدید موضوع، منظور یک مصداق بارز از مشارکت سیاسی،

یعنی انتخابات است. در این خصوص انتخاب رئیس جمهوری به عنوان مطالعه موردی انتخاب شده است. نویسندگان بر این فرض هستند که پس از انقلاب اسلامی ایران حضور بسیاری از مردم در حوزه سیاست، به شکل فعالیتی دارای اثر، در قالب مفهوم مشارکت سیاسی قابل ترجمه است. از بین انواع مصادیق مشارکت سیاسی نیز رأی‌دهی در انتخابات اهمیت بسیاری در ایران امروز دارد؛ به نحوی که می‌توان ادعا کرد احتمالاً بخشی از جامعه ایران امروز حضورشان را در حوزه سیاست تنها به امکان رأی‌دهی در انتخابات محدود می‌کنند. برگزیدن منصب ریاست جمهوری از بین مناصب گوناگونی که به وسیله انتخابات افراد را دارای قدرت سیاسی می‌کند، به سبب اهمیت چنین منصبی در امور اجرایی و در نتیجه اثربخش بودن آن در ساخت ادراکات جدید از مفهوم عدالت اجتماعی در مقایسه با سایر نقش‌ها توزیعی است.

۴. روش پژوهش

شیوه‌ای که برای سنجش ادراک ایرانیان از عدالت در دستیابی افراد به منصب سیاسی ریاست جمهوری استفاده شد، شیوه پرسشنامه بسته بود. جمعیت آماری مدنظر تمامی ایرانیان بالای ۲۰ سال ساکن در شهرهای داخلی کشور ایران بود که بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۰ جمعیت آماری مدنظر این پژوهش ۳۱۰۴۱۸۹۸ (سی و یک میلیون و چهل و یک هزار و هشت صد و نود و هشت) نفر بود (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران بر اساس ۵ درصد خطا و ۹۰ درصد سطح اطمینان، ۲۷۱ نفر برآورد شده و نمونه‌ها از طریق روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. برای سنجش اعتبار (روایی) پرسشنامه از شیوه توافق داوران یا اعتبار محتوایی بهره گرفته شد. به این نحو که مبتنی بر روش دلفی ابتدا پرسشنامه اولیه‌ای با پرسش‌های باز طراحی شده و بین ۱۰ نفر از پژوهشگران حوزه عدالت اجتماعی و اساتید رشته علوم سیاسی توزیع گردید. با بررسی نتایج پرسشنامه اولیه و انتخاب ۳ موهبت دانش، خویشاوندی و ثروت به عنوان ۳ موهبت اصلی اثرگذار بر عرصه رقابت سیاسی از سوی نخبگان منتخب در روش دلفی، پرسشنامه ثانویه‌ای با پرسش‌های بسته طراحی شده و بار دیگر میان نخبگان

منتخب توزیع گردید. پس از تأیید محتوایی پرسشنامه، نبود ابهام در پرسش‌ها و چارچوب‌بندی مناسب، پرسشنامه نهایی به صورت تصادفی در شهرهایی از سراسر کشور توزیع گردید. پرسشنامه از چهار بخش ویژگی‌های فردی پاسخگو، موهبت اجتماعی ثروت، موهبت اجتماعی روابط خویشاوندی و موهبت اجتماعی دانش تشکیل شده بود. در سه بخش موهبت اجتماعی ثروت، موهبت اجتماعی خویشاوندی و موهبت اجتماعی دانش پرسش‌ها به نحوی تعیین شد که پاسخگویان جامعه ایران امروز را با جامعه عادل بسنجند. باید به این امر توجه می‌شد که مفهوم جامعه عادل یک جامعه ذهنی و نسبی است. برخی ممکن است برای این مفهوم جامعه‌ای مطلوب و آرمانی را در ذهن خود ترسیم کنند، یا برخی یکی از جوامع موجود در دنیای امروز را به عنوان الگوی جامعه عادل برای خود در نظر می‌گیرند و برخی هم از جامعه عادل، جامعه مهدوی را برداشت می‌کنند. به منظور نزدیک کردن برداشت‌های مختلف افراد از مفهوم جامعه عادل، به ایشان توضیح داده شد که منظور از جامعه عادل جامعه‌ای است که ایران امروز، با نظام سیاسی جمهوری اسلامی می‌تواند و باید به سمت آن حرکت کند. پاسخگو در پاسخ دادن یا ندادن به پرسش‌ها مختار بود و به آن اطمینان داده شد که هویت آن‌ها محفوظ بوده و از پرسشنامه‌ای که پرکرده‌اند تنها در این پژوهش استفاده خواهد شد.

۴. داده‌های توصیفی

۴-۱. سن

۶۷.۵۳ درصد پاسخگویان در دامنه سنی ۲۰ تا ۲۹ سال قرار داشتند. ۲۲.۵۱ درصد آنان در دامنه سنی ۳۰ تا ۴۰ سال، ۷.۳۸ درصد آنان در دامنه سنی ۴۱ تا ۵۰ سال و ۲.۵۸ درصد آنان در دامنه سنی بالای ۵۱ سال قرار داشتند. بر این اساس می‌توان گفت نتایج این پژوهش به‌سوی نسل جوان جامعه گرایش دارد.

۴-۲. جنسیت

۵۲.۴۰ درصد از پاسخگویان آقایان و ۴۷.۶۰ درصد پاسخگویان بانوان بودند. با وجود آنکه شیوه توزیع پرسشنامه نمونه‌گیری تصادفی بود و طبقه‌بندی مبتنی بر جنسیت در

پژوهش پیش‌بینی نشده بود، اما در پس ذهنی همکاران توزیع‌کننده پرسشنامه‌ها مسئله رعایت نسبت جنسیتی نقش بسته بود. به همین جهت شاهد درصدهایی نزدیک درصدهای اعلامی مرکز آمار در سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ هستیم. توضیح آنکه در سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰، ۵۰.۳۷ درصد ساکنین شهرهای ایران آقایان و ۴۹.۶۳ درصد بانوان بودند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰).

۳-۴. سطح تحصیلات

سطح تحصیلات ۱۶.۶۱ درصد پاسخگویان دیپلم و زیر دیپلم، ۳۶.۹۰ درصد کارشناسی، ۳۵.۰۶ درصد کارشناسی ارشد، ۸.۴۹ درصد دکترا و ۱.۴۸ درصد حوزوی بود. ۱.۴۸ درصد نیز سطح تحصیلات خود را اظهار نمودند. بیشترین فراوانی جمعیتی در سطح تحصیلات حجم نمونه مربوط به افرادی بود که فارغ‌التحصیل و یا در حال تحصیل در مقطع کارشناسی بودند. پس‌از آن نیز فارغ‌التحصیلان و یا افراد در حال تحصیل مقطع کارشناسی ارشد قرار دارند.

۴-۴. قومیت

با توجه به گستره جغرافیایی پژوهش شاهد حضور قومیت‌های مختلف در بین پاسخگویان بودیم. مبتنی بر پاسخ پاسخگویان ۴۰.۵۹ درصد پاسخگویان فارس، ۳۱.۷۳ درصد آذری (همچنین آذربایجانی، ترک، تورک و...)، ۵.۵۴ درصد کُرد، ۲.۵۸ درصد لُر و ۵.۵۴ درصد از سایر قومیت‌ها بودند. ۱۴.۰۲ درصد نیز به این پرسش پاسخ نداده بودند یا پاسخ‌های غیرقابل قبول مانند ایرانی، شیعه، تهرانی و... داده بودند. نکته قابل توجه احتمال تورش قومیت ندانستن فارس بودن و نیز موضع‌گیری منفی در قبال این پرسش بود که در قالب پاسخ‌های غیرقابل قبول و یا عدم پاسخ خود را نشان می‌دهد.

۴-۵. سطح درآمد ماهانه خانوار

درآمد ماهانه خانوار ۱۸.۴۵ درصد پاسخگویان زیر یک میلیون تومان، ۳۵.۰۶ درصد بین یک تا دو میلیون تومان، ۲۲.۱۴ درصد بین دو تا چهار میلیون تومان و ۲.۹۵ درصد نیز

بالاتر از چهار میلیون تومان بود. ۲۱.۴۰ درصد نیز از پاسخ به این پرسش استنکاف ورزیدند. با توجه به درصد بالای افرادی که از بیان میزان درآمد ماهانه خانوار خود خودداری ورزیدند و نیز مراجعه به سایر پژوهش‌ها می‌توان گفت چندان نمی‌توان بر روی خوداظهاری در امور مالی تکیه کرد و احتمالاً خوداظهاری با میزان واقعی درآمد ماهانه خانوار متفاوت باشد. یکی از پژوهش‌ها این امر را ادله‌ای بر دارا بودن مشی محافظه‌کاری در نظر گرفته است. در آن پژوهش نیز عموم پاسخگویان علاقه به بیان میزان دقیق درآمد ماهانه خانوار خود نداشتند و آن را امری شخصی، محرمانه و خصوصی تلقی می‌کردند (مددلو، ۱۳۹۳، ص. ۸۷).

۵. یافته‌های تحلیلی

۵-۱. موهبت اجتماعی ثروت

خاستگاه موهبت اجتماعی ثروت، حوزه اقتصاد یک جامعه است. این موهبت، راهبر و نیز ثمره تعاملات اقتصادی است و بر اساس اصل سودمحوری وظیفه راهبری و هدایتگری تعاملات اقتصادی را انجام می‌دهد. ثروت توانا و علاقه‌مند به نفوذ در حوزه سیاست و تسلط بر آن است. شاید بتوان از جمله نشانه‌های چنین توانایی و علاقه‌مندی را رسوخ نظریات انتخاب عقلانی از علم اقتصاد به تحلیل رفتار رأی‌دهی معرفی کرد. این بخش پرسشنامه از دو پرسش تشکیل شده بود. در پرسش نخست از پاسخگویان خواسته شد احتمال دستیابی یک فرد از طبقه ثروتمند (۲۰ درصد جامعه با بالاترین درآمد) را به منصب ریاست‌جمهوری با احتمال رسیدن یک فرد از طبقه فقیر (۲۰ درصد جامعه با کمترین درآمد) مقایسه کنند. ۸۸.۶ درصد از پاسخگویان احتمال دستیابی این دو فرد فرضی را برابر دانسته بودند. ۱۷.۳۴ درصد احتمال دستیابی فرد ثروتمند را تا دو برابر، ۷.۰۱ درصد از دو تا چهار برابر، ۸.۸۶ درصد از چهار تا شش برابر، ۱.۱۱ از شش تا هشت برابر و ۴۶.۸۶ درصد بیش از هشت برابر از احتمال دستیابی یک فرد فقیر بیشتر می‌دانستند. ۹.۹۶ درصد نیز به این پرسش پاسخ ندادند. در پرسش دوم این بخش از پاسخگویان خواسته شد احتمال دستیابی یک فرد از طبقه ثروتمند (۲۰ درصد جامعه با بالاترین درآمد) را به منصب ریاست‌جمهوری با

احتمال رسیدن یک فرد از طبقه فقیر (۲۰ درصد جامعه با کمترین درآمد) در جامعه عادل مقایسه کنند. ۶۲.۳۶ درصد پاسخگویان احتمال دستیابی دو فرد فرضی پرسش را برابر دانسته بودند. ۱۳.۲۸ درصد احتمال دستیابی فرد ثروتمند را تا دو برابر، ۴.۰۶ درصد از دو تا چهار برابر، ۱.۱۱ درصد از چهار تا شش برابر و به همین نسبت از شش تا هشت برابر و ۸.۱۲ درصد بیش از هشت برابر از احتمال دستیابی یک فرد فقیر بیشتر می‌دانستند. ۹.۹۶ درصد نیز به این پرسش پاسخ ندادند.

در تحلیل نتایج این بخش از پرسشنامه باید گفت که برای جامعه ایران امروز ۸.۸۶ از پاسخگویان موهبت اجتماعی ثروت را معیار اثرگذار در دستیابی فرد به منصب ریاست جمهوری نمی‌دانند. در مقابل ۸۱.۱۸ درصد از پاسخگویان آن را معیاری اثرگذار می‌دانند و نزدیک به نیمی از آن‌ها (۴۶.۸۶ درصد از معتقدان به اثرگذاری معیار ثروت) اثرگذاری آن را افزایش احتمال دستیابی کاندیدای ثروتمند به بیش از هشت برابر احتمال دستیابی کاندیدای فقیر ارزیابی می‌نمودند. از سوی دیگر بیشتر پاسخگویان در جامعه عادل که در ذهنشان ترسیم می‌نمودند موهبت اجتماعی ثروت را معیار اثرگذاری در یک جامعه عادل در امر مشارکت سیاسی آن نمی‌دانستند. برای جامعه عادل ۶۲.۳۶ درصد پاسخگویان موهبت ثروت را در امر مشارکت سیاسی اثرگذار نمی‌دانستند. ۱۳.۲۸ درصد افراد هم حداکثر اثرگذاری آن را افزایش احتمال دستیابی فرد فرضی ثروتمند تا ۲ برابر فرد فرضی فقیر می‌دانستند. مبتنی بر این داده‌ها می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که از نظر جمعیت نمونه نظام سیاسی جمهوری اسلامی فعلاً نتوانسته از نفوذ موهبت اجتماعی ثروت و سلطه آن بر حوزه سیاست به‌قدر کفایت جلوگیری کند و فاصله بسیاری در این جلوگیری با یک جامعه عادل دارد.

۲-۵. موهبت اجتماعی خویشاوندی

در بخش موهبت اجتماعی خویشاوندی دامنه گسترده‌ای از روابط اجتماعی را درون یک جامعه جمع‌گرا تشکیل می‌دهد. خویشاوندگرایی می‌تواند از ارتباطات والدین و فرزندان شروع شود و با گستردن دایره آن به حد طایفه‌گرایی برسد. آنچه در این بخش به‌عنوان مصداق موهبت اجتماعی خویشاوندی مورد پرسش قرار گرفت ارتباط پدر و

فرزندی بود. به دیگر سخن عینی‌ترین رابطه خویشاوندی در این بخش مورد پرسش قرار گرفت. همانند بخش پیشین این بخش نیز از دو سؤال تشکیل شده بود. در پرسش نخست از پاسخگویان خواسته شد احتمال دستیابی فرزند یک رئیس‌جمهور را به منصب مدنظر این پژوهش ارزیابی کنند. ۵۳.۱۴ درصد از پاسخگویان این احتمال را در حد خیلی کم ارزیابی کرده بودند، ۷.۰۱ درصد در حد کم، ۲۲.۵۱ درصد متوسط، ۴.۴۳ درصد زیاد و ۳.۶۹ درصد این احتمال را در حد خیلی زیاد ارزیابی کرده بودند. ۹.۲۳ درصد نیز به این پرسش پاسخ ندادند.

در پرسش دوم از پاسخگویان خواسته شد این احتمال را در جامعه عادل ارزیابی کنند. ۶۴.۵۸ درصد از پاسخگویان این احتمال را در حد خیلی کم، ۴.۴۳ درصد کم، ۱۹.۹۳ درصد متوسط، ۱.۱۱ درصد زیاد و ۰.۷۴ درصد در حد خیلی زیاد ارزیابی کرده بودند. ۹.۲۳ درصد نیز به این پرسش پاسخ ندادند.

در تحلیل این بخش باید گفت ۶۰.۱۵ درصد معتقدند که موهبت اجتماعی رابطه خویشاوندی معیار اثرگذاری حداقل در دستیابی فرد به ریاست‌جمهوری و در نگاهی کلان‌تر در حوزه سیاست جامعه ایران امروز نیست. ۲۲.۵۱ درصد نیز اثرگذاری آن را در حد متوسط دانسته و تنها ۸.۱۲ درصد معتقد به اثرگذار بودن آن در حوزه سیاست جامعه امروز ایران بودند. برابر با ۶۹ درصد این جمعیت نمونه در نسبت با جامعه عادل نیز معیار خویشاوندی را معیار اثرگذاری در حوزه سیاست نمی‌دانستند. ۱۹.۹۳ درصد اثرگذاری آن را در حد متوسط و ۱۸۵ درصد نیز قائل به اثرگذار بودن آن در جامعه عادل بودند. مبتنی بر داده‌های حاضر می‌توان ادعا کرد که از دید اکثر جمعیت نمونه موهبت اجتماعی روابط خویشاوندی به‌عنوان معیار مسلط حوزه خانواده نباید در یک جامعه عادل حداقل در انتخاب رئیس‌جمهور، در نگاهی کلان در امر مشارکت سیاسی و در نگاهی کلان‌تر در حوزه سیاست معیار مسلط باشد. به نظر جمعیت نمونه پژوهش حاضر نظام سیاسی جمهوری اسلامی در جلوگیری از سلطه روابط خویشاوندی بر انتخاب رئیس‌جمهور و امر مشارکت سیاسی به جامعه عادل شباهت دارد؛ زیرا ۸۲.۶۶ درصد اعتقاد داشتند که در ایران امروز موهبت اجتماعی روابط خویشاوندی معیار قابل اتکایی در مشارکت سیاسی نیست و احتمال اثرگذاری آن و دستیابی به منصب ریاست‌جمهوری به‌واسطه آن حداکثر متوسط است.

۳-۵. موهبت اجتماعی دانش

در سنجش اثرگذاری موهبت اجتماعی دانش با ابهامی روبه‌رو بودیم و آن چگونگی تعیین بهره‌مندی یک کاندیدا از این موهبت بود. در پاسخ نخست ارزیابی سطح مدارک تحصیلی به‌عنوان برطرف‌کننده این ابهام طرح شد اما به جهت امکان دستیابی آسان به مدارک تحصیلی در جامعه ایران امروز چنین پاسخی قابل‌اتکا نبود. به دیگر سخن لزوماً مدرک تحصیلی بالا نشان‌دهنده سطح دانش بالا نیست. نشانه‌های چنین ابهامی که پژوهشگران این پژوهش را درگیر خود ساخته بود در اضطراب پاسخ‌ها نیز خود را نشان می‌دهد.

بخش چهارم پرسشنامه که به ارزیابی موهبت اجتماعی دانش می‌پرداخت همانند دو بخش پیشین از دو پرسش تشکیل شده بود. در پرسش نخست از پاسخگویان درخواست شده بود احتمال دستیابی یک فرد با سطح دانش پایین را به منصب ریاست جمهوری در جامعه ایران امروز ارزیابی نمایند. ۳۸.۷۵ درصد از پاسخگویان میزان این احتمال را در حد خیلی کم، ۱۰.۳۳ درصد در حد کم، ۲۳.۶۲ درصد در حد متوسط، ۱۱.۸۱ درصد در حد زیاد و ۷.۳۸ درصد این احتمال را در حد خیلی زیاد ارزیابی کرده بودند. ۸.۱۲ درصد از افراد نیز به این پرسش پاسخ نداده بودند.

در پرسش دوم از پاسخگویان خواسته شد این احتمال را در نسبت با جامعه عادل ارزیابی کنند. اکثریت پاسخ‌دهندگان، یعنی ۷۳.۰۶ درصد آنان، احتمال رئیس‌جمهور شدن فردی با سطح دانش پایین را در یک جامعه عادل در حد خیلی کم ارزیابی کرده بودند. ۶.۲۷ درصد نیز این احتمال را در حد کم، ۸.۱۲ درصد در حد متوسط و ۱.۱۱ این احتمال را در حد زیاد و به همین نسبت در حد خیلی زیاد ارزیابی کرده بودند. ۱۰.۳۳ درصد نیز پاسخی به این پرسش نداده بودند.

در تحلیل این بخش باید گفت که نزدیک به نیمی از جمعیت نمونه یعنی ۴۹.۰۸ درصد از پاسخگویان جایگاه دانش در ایران امروز را در نسبت با دستیابی به منصب ریاست جمهوری جایگاه بالایی می‌دانند و احتمال دستیابی فردی با سطح دانش پایین به این منصب را در حد خیلی کم و کم می‌دانند. ۲۳.۶۲ درصد از پاسخگویان این جایگاه را در حد متوسط می‌دانند و ۱۹.۱۹ درصد نیز جایگاه دانش را بالا ندانسته و احتمال

دستیابی فردی با سطح دانش پایین به این منصب را در حد زیاد و خیلی زیاد می‌دانند. اما در نسبت با یک جامعه عادل ۷۹.۳۴ درصد از پاسخگویان جایگاه دانش را در منصب مورد سؤال در جامعه عادل جایگاهی بالا و موردتوجه ارزیابی می‌کنند. ۸.۱۲ درصد آنان این جایگاه را متوسط دانسته و تنها ۲.۲۱ درصد جایگاه آن را بالا نمی‌دانند. اگرچه در باب جایگاه دانش در ایران امروز در امر مشارکت سیاسی میان جمعیت نمونه اختلاف نظر دیده می‌شود (و چرایی این اضطراب در نگاه مسئله‌ای مهم و قابل‌اعتنا برای پژوهندگان باید باشد)، اما اکثریت متفق‌القول‌اند که حداقل یکی از معیارهای مهم و تنها معیار مهم از بین سه موهبت اجتماعی موردسنجش این پژوهش برای دستیابی به منصب ریاست‌جمهوری دارا بودن سطح دانش قابل قبول است. بر این اساس می‌توان گفت حداقل از بین سه موهبت اجتماعی موردسنجش این پژوهش، از دید جمعیت نمونه موهبت اجتماعی دانش می‌تواند معیار مسلط در امر مشارکت سیاسی ذیل حوزه سیاست باشد. همچنین پس از کنترل موهبت اجتماعی خویشاوندی در عدم نفوذ و سلطه بر حوزه سیاست، نظام جمهوری اسلامی در تلاش برای تثبیت معیار دانش به‌عنوان یک معیار مهم در حوزه سیاست بهتر از کنترل عدم نفوذ و سلطه موهبت اجتماعی ثروت بر حوزه سیاست عمل کرده است.

۶. تحلیل ترکیبی یافته‌ها

در تحلیل ترکیبی یافته‌ها پاسخ آن دسته از پاسخگویان موردبررسی و مذاقه قرار گرفت که به هر سه پرسش مندرج در دو بخش مختلف پاسخ داده بودند. به‌طور مثال در نسبت سنجی میان سطح درآمد پاسخگویان و موهبت اجتماعی ثروت پاسخ آن دسته از پاسخگویان مورد مذاقه قرار گرفت که به هر سه سؤال سطح درآمد، سنجش احتمال مدنظر در ایران امروز و نیز جامعه عادل پاسخ داده باشند.

۶-۱. نسبت سنجی میان سطح درآمد پاسخگویان و موهبت اجتماعی ثروت

الف. سطح درآمدی زیر یک میلیون تومان

۱۸.۴۵ درصد از کل جمعیت نمونه در بخش اول پرسشنامه میزان درآمد ماهانه خانواده

خود را زیر یک میلیون تومان اظهار کرده بودند. تنها ۱۳.۰۴ درصد از پاسخگویان این گروه احتمال رسیدن یک فرد از طبقه ثروتمند (۲۰ درصد جامعه با بالاترین درآمد) به منصب ریاست جمهوری را با احتمال رسیدن یک فرد از طبقه فقیر (۲۰ درصد جامعه با کمترین درآمد) در ایران امروز برابر دانسته بودند. ۳۰.۴۳ درصد این احتمال را تا ۲ برابر بیشتر برای فردی از طبقه ثروتمند، ۴.۳۵ درصد از ۲ تا ۴ برابر، ۸.۷۰ درصد از ۴ تا ۶ برابر و ۴۳.۴۸ درصد بیش از ۸ برابر را برای این احتمال ارزیابی کرده بودند. جمع درصدی بیش از دو برابر در این گروه نسبت به جامعه ایران امروز ۵۶.۵۲ درصد است. ۶۰.۸۷ درصد همین گروه نسبت چنین احتمالی را در یک جامعه عادل برابر دانسته، ۱۷.۳۹ درصد تا ۲ برابر بیشتر، ۴.۳۵ درصد از ۲ تا ۴ برابر، به همین نسبت از ۴ تا ۶ برابر و باز به هم نسبت از ۶ تا ۸ دانسته بودند. ۸.۷۰ نیز بیش از ۸ برابر را احتمال داده بودند. جمع درصدی بیش از دو برابر در این گروه ۲۱.۷۴ درصد است.

ب. سطح درآمدی بین یک تا دو میلیون تومان

در این گروه درآمدی که ۳۵.۰۶ درصد از کل جمعیت نمونه را تشکیل می‌دهند؛ تنها ۹.۳۰ درصد احتمال مدنظر را در ایران امروز برابر می‌دانند. ۱۸.۶۰ درصد تا ۲ برابر بیشتر، ۱۱.۶۳ درصد از ۲ تا ۴ برابر، ۹.۳۰ درصد از ۴ تا ۶ برابر، ۲.۳۳ درصد از ۶ تا ۸ برابر و ۴۸.۸۴ درصد بیش از ۸ برابر این احتمال را ارزیابی می‌کنند. جمع درصدی بیش از دو برابر، ۷۲.۰۹ درصد است. ۷۹.۰۷ درصد این گروه در رابطه با ارزیابی این احتمال در یک جامعه عادل نسبت را برابر دانستند. ۱۱.۶۳ درصد نیز تا ۲ برابر بیشتر، ۲.۳۳ درصد از ۲ تا ۴ برابر و ۶.۹۸ درصد نیز بیش از ۸ برابر را در نظر می‌گرفتند. جمع درصدی بیش از دو برابر در جامعه عادل در این گروه ۹.۳۰ درصد است.

پ. سطح درآمدی بیش از دو میلیون تومان

این گروه که ۲۵.۰۹ درصد از کل جمعیت نمونه را تشکیل می‌دهد، در اصل ترکیب دو گروه سطح درآمدی بین دو تا چهار میلیون تومان در ماه و سطح درآمدی بیش از چهار میلیون تومان در ماه است. دلیل این ترکیب تعداد اندک پاسخگویان قرارگرفته در سطح درآمدی بیش از چهار میلیون تومان در ماه (۸ پاسخگو = ۲.۹۵ درصد از کل جمعیت پاسخگو) است. در این گروه تنها ۳.۳۳ درصد افراد احتمال

مدنظر در ایران امروز را برابر در نظر گرفتند. ۱۶.۶۷ درصد نیز این احتمال را تا ۲ برابر بیشتر، ۱۰ درصد از ۲ تا ۴ برابر، ۱۳.۳۳ درصد از ۴ تا ۶ برابر و ۵۶.۶۷ درصد بیش از ۸ برابر در نظر می‌گرفتند. جمع درصدی احتمال بیش از دو برابر، ۸۰ درصد است. ۴۶.۶۷ درصد از افراد این گروه این نسبت را در جامعه عادل برابر، ۲۶.۶۷ درصد تا ۲ برابر، ۱۰ درصد از ۲ تا ۴ برابر و ۱۶.۶۷ درصد نیز نسبت را بیش از ۸ برابر دانستند. جمع درصدی بیش از دو برابر در این گروه در جامعه عادل ۲۶.۶۷ درصد است. با وجود جایگاه بالای موهبت اجتماعی ثروت در حوزه سیاست ایران امروز از دید همه گروه‌ها، فهم از میزان بالا بودن این جایگاه با بالا رفتن سطح درآمد افزایش می‌یابد.

جدول شماره (۱): موهبت اجتماعی ثروت در ایران امروز

موهبت اجتماعی ثروت در ایران امروز (مصادق دو دهک بالا در برابر دو دهک پایین جامعه)			
گروه‌ها	سطح درآمدی زیر یک میلیون تومان	سطح درآمدی بین یک تا دو میلیون تومان	سطح درآمدی بیش از دو میلیون تومان
نسبت سنجی			
برابر	۱۳.۰۴ درصد	۹.۳۰ درصد	۳.۳۳ درصد
بین یک تا دو برابر	۳۰.۴۳ درصد	۱۸.۶۰ درصد	۱۶.۶۷ درصد
بیش از دو برابر	۵۶.۵۲ درصد	۷۲.۰۹ درصد	۸۰ درصد

جدول شماره (۲): موهبت اجتماعی ثروت در یک جامعه عادل

موهبت اجتماعی ثروت در یک جامعه عادل (مصادق دو دهک بالا در برابر دو دهک پایین جامعه)			
گروه‌ها	سطح درآمدی زیر یک میلیون تومان	سطح درآمدی بین یک تا دو میلیون تومان	سطح درآمدی بیش از دو میلیون تومان
نسبت سنجی			
نسبت برابر	۶۰.۸۷ درصد	۷۹.۰۷ درصد	۴۶.۶۷ درصد
نسبت بین یک تا دو برابر	۱۷.۳۹ درصد	۱۱.۶۳ درصد	۲۶.۶۷ درصد
نسبت بیش از دو برابر	۲۱.۷۴ درصد	۹.۳۰ درصد	۲۶.۶۷ درصد

در سطح درآمدی بیش از دو میلیون تومان فهم نسبت برابر احتمال طرح شده در جامعه عادل به زیر ۵۰ درصد کشیده می‌شود. می‌توان در شرح چنین نگاهی به یک جامعه عادل به علاقه ثروت جهت تبدیل شدن به موهبت اجتماعی مسلط در تمامی حوزه‌های اجتماعی اشاره کرد. این علاقه، بر اساس نتایج داده‌های این بخش، در صاحبان این موهبت اجتماعی (به نسبت دو گروه دیگر) نیز تقویت می‌شود. صاحبان

موهبت اجتماعی ثروت فرصت‌های بیشتری در حوزه‌های دیگر اجتماعی دارند و می‌توانند اثر بیشتری در شکل‌دهی غیرمستقیم نحوه ترسیم جامعه عادل ایفا کنند. جامعه عادل‌ی که در آن ثروت موهبت اجتماعی مسلط تمامی حوزه‌های اجتماعی معرفی می‌شود. البته لزوماً چنین نگاهی با سطح درآمد ماهیانه ارتباط مستقیم ندارد و سخن گفته شده در حد یک احتمال برآمده از نتایج این بخش از پژوهش است. همچنانی که مشاهده می‌کنیم گروه سطح درآمدی زیر یک میلیون نیز در اثربخش دانستن موهبت اجتماعی ثروت پس از گروه سطح درآمدی بالای دو میلیون قرار می‌گیرند و از بین سه گروه بالاترین میزان بی‌اعتبار دانستن ثروت در احتمال مدنظر در یک جامعه عادل به گروه دوم، یعنی گروه سطح درآمدی بین یک تا دو میلیون قرار دارد. چرایی عدم تبعیت نوع نگاه به موهبت اجتماعی ثروت در حوزه سیاست یک جامعه عادل از سطح درآمد خود می‌تواند موضوع پژوهشی مجزا و قابل طرح باشد.

۶-۲. نسبت‌سنجی میان قومیت پاسخگویان و موهبت اجتماعی خویشاوندی

در نسبت‌سنجی میان قومیت پاسخگویان و موهبت اجتماعی خویشاوندی، پاسخگویان به دو گروه قومیت فارس و سایر قومیت‌ها تقسیم شده و بر اساس این تقسیم‌بندی پاسخ‌ها مورد تحلیل قرار گرفت. در گروه قومیت فارس که ۴۰.۵۹ درصد از کل پاسخگویان را دربرمی‌گیرد دیدگاه‌ها در باب احتمال اثرگذاری موهبت اجتماعی خویشاوندی با مصداق فرزند یک رئیس‌جمهور بودن در جامعه ایران امروز به شرح ذیل است:

۵۶.۸۶ درصد از پاسخگویان میزان این احتمال را در حد خیلی کم، ۱۳.۷۳ درصد در حد کم، ۲۱.۵۷ درصد در حد متوسط، ۳.۹۲ در حد زیاد و به همین نسبت در حد خیلی زیاد می‌دانستند. در این گروه دیدگاه‌ها در رابطه با احتمال طرح شده در نسبت با یک جامعه عادل نیز به شرح ذیل است:

۷۰.۵۹ درصد در حد خیلی کم، ۷.۸۴ در حد کم، ۱۹.۶۱ در حد متوسط و ۱.۹۶ درصد در حد زیاد چنین احتمالی را ارزیابی کرده بودند. در گروه سایر قومیت‌ها که ۴۵.۳۹ درصد از کل پاسخگویان را تشکیل می‌دهد، در

رابطه با ارزیابی احتمال طرح شده در نسبت با جامعه ایران امروز نتایج ذیل کسب شد: ۶۰.۶۱ درصد در حد خیلی کم، ۴.۵۵ در حد کم، ۲۴.۲۴ در حد متوسط، ۴.۵۵ درصد

در حد زیاد و ۶.۰۶ درصد در حد خیلی زیاد چنین احتمالی را ارزیابی کرده بودند.

جدول شماره (۳): موهبت اجتماعی روابط خویشاوندی در ایران امروز

موهبت اجتماعی روابط خویشاوندی در ایران امروز (مصادق ریاست جمهوری فرزندان یک رئیس جمهور)		
نسبت سنجی	گروه‌ها	قومیت فارس
خیلی کم و کم	۷۰.۵۹ درصد	۶۵.۱۵ درصد
متوسط	۲۱.۵۷ درصد	۲۴.۲۴ درصد
زیاد و خیلی زیاد	۷.۸۴ درصد	۱۰.۶۱ درصد

جدول شماره (۴): موهبت اجتماعی روابط خویشاوندی در یک جامعه عادل

موهبت اجتماعی روابط خویشاوندی در یک جامعه عادل (مصادق ریاست جمهوری فرزندان یک رئیس جمهور)		
نسبت سنجی	گروه‌ها	قومیت فارس
خیلی کم و کم	۷۸.۴۳ درصد	۷۴.۲۴ درصد
متوسط	۱۹.۶۱ درصد	۲۴.۲۴ درصد
زیاد و خیلی زیاد	۱.۹۶ درصد	۱.۵۲ درصد

در تحلیل داده‌های ترکیبی این بخش می‌توان گفت موهبت اجتماعی روابط خویشاوندی از دید هر دو گروه نباید به معیار مسلط در امر مشارکت سیاسی و احتمالاً در حوزه سیاست تبدیل شود و در این نوع نگاه میان هر دو گروه به‌طور کلی هم‌آهنگی وجود دارد؛ اما آنچه شایسته مذاقه بیشتر است مسئله احتمال اثرگذاری کمتر روابط خویشاوندی در امر مشارکت سیاسی از دید گروه قومیت فارس نسبت به گروه سایر قومیت‌ها است. با وجود آنکه نسبت‌ها در این تفاوت نزدیک است اما اصل وجود این تفاوت قابلیت مذاقه و تأمل بیشتر را دارد؛ زیرا که تفاوت در ارزیابی میزان اثرگذاری این موهبت اجتماعی در امر مشارکت سیاسی خود را در ترسیم جامعه عادل نیز نشان می‌دهد.

۳-۶. نسبت‌سنجی میان سطح مدرک تحصیلی پاسخگویان و موهبت اجتماعی دانش

برای این نسبت‌سنجی جمعیت نمونه به دو گروه دارای مدرک (و در حال تحصیل) تا مقطع کارشناسی و گروه دارندگان مدرک کارشناسی‌ارشد و بالاتر تقسیم شد. دارندگان (و در حال تحصیلات) حوزوی نیز جزو گروه دوم محاسبه شدند. گروه دارندگان تا مدرک کارشناسی ۵۳.۵۱ درصد از کل جمعیت نمونه را به خود اختصاص داده بودند و گروه دارندگان مدرک کارشناسی‌ارشد و بالاتر ۴۵.۰۲ درصد از کل جمعیت نمونه را به خود اختصاص داده بودند.

گروه دارندگان تا مدرک کارشناسی در نسبت‌سنجی احتمال طرح‌شده ذیل موهبت اجتماعی دانش برای ایران امروز ارزیابی‌های ذیل را انجام دادند: ۳۵.۲۹ درصد از افراد شامل این گروه احتمال طرح‌شده را در حد خیلی کم، ۱۱.۷۶ درصد در حد کم، ۲۹.۴۱ درصد در حد متوسط، ۱۳.۲۴ درصد در حد زیاد و ۱۰.۲۹ درصد در حد خیلی زیاد ارزیابی کردند. به بیان خلاصه‌وار ۴۷.۰۶ درصد در حد خیلی کم و کم، ۲۹.۴۱ درصد در حد متوسط و ۲۳.۵۳ درصد در حد زیاد و خیلی ارزیابی کردند. ۸۰.۸۸ درصد از افراد مشمول این گروه نیز احتمال مدنظر را در نسبت با یک جامعه عادل در حد خیلی کم، ۷.۳۵ درصد در حد کم، ۱۰.۲۹ درصد در حد متوسط و ۱.۴۷ درصد نیز در حد زیاد ارزیابی کردند. به بیان خلاصه‌وار ۸۸.۲۴ درصد در حد خیلی کم و کم، ۱۰.۲۹ درصد در حد متوسط و ۱.۴۷ درصد در حد زیاد ارزیابی کردند. در گروه دارندگان مدرک کارشناسی‌ارشد و بالاتر درصد اظهارنظرها در نسبت با ایران امروز به شرح ذیل بود: ۴۸ درصد در حد خیلی کم، ۱۴.۶۷ درصد کم، ۲۲.۶۷ درصد متوسط، ۱۰.۶۷ درصد زیاد و ۴ درصد در حد خیلی زیاد ارزیابی کرده بودند. به بیان خلاصه‌وار ۶۲.۶۷ درصد از افراد مشمول این گروه در حد خیلی کم و کم، ۲۲.۶۷ درصد در حد متوسط و ۱۴.۶۷ درصد در حد زیاد و خیلی زیاد ارزیابی کرده بودند.

در این گروه ۸۰ درصد از افراد احتمال طرح‌شده را در نسبت با یک جامعه عادل در حد خیلی کم، ۵.۳۳ درصد در حد کم، ۹.۳۳ درصد متوسط، ۱.۳۳ درصد زیاد و ۴ درصد خیلی زیاد سنجیدند. به بیان خلاصه‌وار ۸۵.۳۳ درصد از افراد مشمول این گروه در حد خیلی کم و کم، ۹.۳۳ درصد در حد متوسط و ۵.۳۳ درصد در حد زیاد و خیلی زیاد ارزیابی نموده بودند.

جدول شماره (۵): موهبت اجتماعی دانش در ایران امروز

موهبت اجتماعی دانش در ایران امروز (مصادق ریاست جمهوری با سطح دانش پایین)		
گروهها	دارندگان تا مدرک کارشناسی	دارندگان مدارک کارشناسی ارشد و بالاتر
خیلی کم و کم	۴۷.۰۶ درصد	۶۲.۶۷ درصد
متوسط	۲۹.۴۱ درصد	۲۲.۶۷ درصد
زیاد و خیلی زیاد	۲۳.۵۳ درصد	۱۴.۶۷ درصد

جدول شماره (۶): موهبت اجتماعی دانش در یک جامعه عادل

موهبت اجتماعی دانش در یک جامعه عادل (مصادق ریاست جمهوری با سطح دانش پایین)		
گروهها	دارندگان تا مدرک کارشناسی	دارندگان مدارک کارشناسی ارشد و بالاتر
خیلی کم و کم	۸۸.۲۴ درصد	۸۵.۳۳ درصد
متوسط	۱۰.۲۹ درصد	۹.۳۳ درصد
زیاد و خیلی زیاد	۱.۴۷ درصد	۵.۳۳ درصد

«دارندگان تا مدرک کارشناسی» بیش از «دارندگان مدارک کارشناسی ارشد و بالاتر» معتقدند در ایران امروز به موهبت اجتماعی دانش در امر مشارکت سیاسی کم توجهی می شود. همین گروه اثرگذاری این موهبت اجتماعی را در یک جامعه عادل اندکی بیش از گروه «دارندگان مدارک کارشناسی ارشد و بالاتر» ارزیابی می کنند. چرایی چنین نگاهی به دانش در بین کسانی که بر اساس مدرک دانشگاهی صاحب دانش محسوب می شوند پس از سنجش های دقیق تر و تفصیلی تر، لایق تأمل و مذاقه بیشتر است.

نتیجه گیری

فرهنگ سیاسی در نگاهی ساده سازانه همان ذهنیت جمعی یک جامعه نسبت به عناصر حوزه سیاست است. این ذهنیت در کنش های سیاسی عیان می شود و در نسبتی رفت و برگشتی حوزه سیاست را می سازد و ساخته می شود. ذهنیت جمعی ذیل مفاهیم اجتماعی ساخته می شود و یکی از این مفاهیم مهم، عدالت اجتماعی است. عدالت اجتماعی بر شیوه تعاملات در حوزه سیاست اثرات فراوانی دارد و می توان نوع، شیوه و

مصدق مشارکت سیاسی را با ادراک عدالت اجتماعی ذهنیت جمعی یک جامعه تبیین، تفسیر و یا تغییر داد. در جستجوی معنای مفهوم عدالت به نظریه برابری پیچیده والزر می‌رسیم که سعی دارد به جای تعریف عدالت، به ساختارهای اجتماعی عادلانه پردازد. عدالت از نظر والزر حفظ مرزهای بیرونی هر حوزه اجتماعی و توزیع درونی مواهب اجتماعی هر حوزه مبتنی بر معیار متعلق به آن حوزه است. با صرف‌نظر از مبانی وحدت‌گرای نگاه والزر و توجه به سطح ثمره‌ای آن در این پژوهش ابتدا در پی بیان اهمیت داشتن فهم وضع موجود بودیم. در ادامه در پی فهم نوع نگاه ایرانیان به عدالتی بودیم که باید در حوزه سیاست وجود داشته باشد. عدالتی که تجلی آن سلطه موهبتی اجتماعی بر حوزه سیاست بود. سلطه‌ای که از دید ایرانیان به عادلانه بودن شرایط مشارکت سیاسی و دستیابی افراد به قدرت سیاسی از طریق مشارکت سیاسی ترجمه می‌شود. تحلیل داده‌های پرسشنامه‌ای که به این منظور طراحی شد، به‌طور اختصار نتایج ذیل را بر ما عیان می‌سازد:

اول. از نظر جمعیت نمونه نظام سیاسی جمهوری اسلامی فعلاً نتوانسته است از نفوذ موهبت اجتماعی ثروت و سلطه آن بر حوزه سیاست به قدر کفایت جلوگیری کند و فاصله بسیاری در این جلوگیری با یک جامعه عادل دارد.

دوم. موهبت اجتماعی روابط خویشاوندی به‌عنوان معیار مسلط حوزه خانواده نباید در یک جامعه عادل حداقل در انتخاب رئیس‌جمهور، در نگاهی کلان در امر مشارکت سیاسی و در نگاهی کلان‌تر در حوزه سیاست معیار مسلط باشد.

سوم. نظام سیاسی جمهوری اسلامی در جلوگیری از سلطه روابط خویشاوندی بر انتخاب رئیس‌جمهور و امر مشارکت سیاسی به جامعه عادل شباهت دارد.

چهارم. از بین سه موهبت اجتماعی موردسنجش این پژوهش، از دید جمعیت نمونه موهبت اجتماعی دانش می‌تواند معیار مسلط در امر مشارکت سیاسی ذیل حوزه سیاست باشد.

پنجم. نظام جمهوری اسلامی در تثبیت معیار دانش به‌عنوان یک معیار مهم در حوزه سیاست بهتر از کنترل عدم نفوذ و سلطه موهبت اجتماعی ثروت بر حوزه سیاست عمل کرده است.

ششم. با وجود جایگاه بالای موهبت اجتماعی ثروت در حوزه سیاست ایران امروز، فهم از میزان بالا بودن این جایگاه با بالا رفتن سطح درآمد افزایش می‌یابد. هفتم. نوع نگاه به موهبت اجتماعی ثروت در حوزه سیاست یک جامعه عادل لزوماً از سطح درآمد تبعیت نمی‌کند. هشتم. روابط خویشاوندی در امر مشارکت سیاسی از دید قومیت فارس نسبت به سایر قومیت‌ها از احتمال اثرگذاری کمتری برخوردار است. نهم. «دارندگان تا مدرک کارشناسی» بیش از «دارندگان مدارک کارشناسی ارشد و بالاتر» معتقدند در ایران امروز به موهبت اجتماعی دانش در امر مشارکت سیاسی کم‌توجهی می‌شود.

کتابنامه

- عریضی سامانی، سیدحمیدرضا؛ گل پرور، محسن (۱۳۸۴). «رابطه بین رویکردهای عدالت اجتماعی با مؤلفه‌های برابری سیاسی». رفاه اجتماعی، شماره ۱۶، صص. ۲۹۳-۳۱۸.
- قاسمی، علیرضا؛ گراوند، جمشید و فرهادی، سمیه (۱۳۹۴). «بررسی رابطه احساس عدالت اجتماعی بر هویت ملی جوانان قوم کُرد (نمونه موردی: شهر قروه)». مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، سال ۵، شماره ۱۷، صص. ۱۴۵-۱۶۲.
- مجیدی، حسن؛ امیدی، مهدی (۱۳۹۷). «بررسی تطبیقی الگوی عدالت از منظر شهید مرتضی مطهری و مایکل والزر». دوفصلنامه دانش سیاسی، سال ۱۴، شماره پیاپی ۲۸، صص. ۱-۳۴.
- مددلو، رامین (۱۳۹۳). انگیزه‌های رأی‌دهی در یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری: مورد انتخابات شهر خوی، تهران: پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
- نوابی لواسانی، محمود؛ صدیق سروسستانی، رحمت اله و زاهدی مازندرانی، محمدجواد (۱۳۹۲). «احساس عدالت و عوامل اجتماعی مرتبط با آن». رفاه اجتماعی، سال ۱۳، شماره ۴۹، صص. ۱۵۹-۱۸۶.
- واعظی، احمد، (۱۳۸۸). نقد و بررسی نظریه‌های عدالت، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره).
- والزر، مایکل، (۱۳۹۴). حوزه‌های عدالت، در دفاع از کثرت‌گرایی و برابری، ترجمه صالح نجفی، تهران: نشر ثالث، چاپ دوم.
- هزارجریبی، جعفر (۱۳۹۰). «بررسی احساس عدالت اجتماعی و عوامل موثر بر آن مطالعه موردی شهر تهران». جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۲، شماره ۴۳، صص. ۴۱-۶۲.
- یعقوبی، داریوش (۱۳۸۸). درک ایرانیان از عدالت، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان. مرکز آمار ایران (۹۵/۱۰/۲۳):